

مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

زهره خیری دوست*

بهاره نصیری**

چکیده

در مقاله حاضر، توسعه انسانی با تأکید بر شاخص تعدیل‌شده مبتنی بر جنسیت در ایران ارزیابی و با کشورهای همسایه آن مقایسه شده است. روش به کار رفته روش تطبیقی و اسنادی با استفاده از داده‌های گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ است.

نتایج حاکی از آن است که ایران به لحاظ شاخص‌های توسعه زنان در ردیف‌های انتهایی جدول کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار دارد، اما ملاحظه اجزای این شاخص گویای آن است که ایران در زمینه شاخص‌های سلامتی و آموزش زنان از متوسط جهانی و متوسط کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا بهتر عمل کرده است. از طرف دیگر، شاخص‌های مشارکت زنان در مجلس و بازار کار لزوماً معیار خوبی برای تشخیص توسعه‌یافتگی زنان کشورها به شمار نمی‌رود و تعریف شاخص‌های کارآمدتر برای ارزیابی موقعیت سیاسی و اقتصادی زنان در جامعه ضروری است.

کلیدواژه‌ها: شاخص توسعه انسانی، برنامه توسعه سازمان ملل، شاخص نابرابری جنسیتی، شاخص توان‌مندسازی، شاخص اشتغال.

۱. مقدمه

علاقه به مفهوم توسعه انسانی امر تازه‌ای نیست. ریشه‌های این مفهوم را، که در فرهنگ‌ها

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) z_kh63@yahoo.com

** دکترای ارتباطات، استادیار گروه مطالعات زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

bn.nasiri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۵

و ادیان بسیاری مشاهده می‌شود، اغلب در ادوار تاریخ بشر سراغ می‌گیرند، اما توجه جدی به توسعه با ظهور انقلاب صنعتی در اروپا شکل گرفت. کانون توجه نخست توسعه اقتصادی با تأکید بر تکنولوژی و بازار بود، اما با افزایش پیامدهای انقلاب صنعتی به شکل افزایش حاشیه‌نشینی، افزایش جمعیت، افزایش مهاجرت، افزایش آسیب‌های اجتماعی، جرم و بزهکاری، توجه به ابعاد دیگر توسعه، به‌ویژه ابعاد اجتماعی و انسانی توسعه اهمیت یافت (کارنی، ۱۳۷۷: ۱۵) و توسعه به مثابه آرمان و هدفی انسانی به شمار آمد. فارغ از رویکردهای مربوط به توسعه در تعریف و سنجش و نظریه‌پردازی، یکی از مقیاس‌های مهم در بحث توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان، شاخص توسعه انسانی است که سازمان ملل ارائه کرده است. شاخص نابرابری جنسیتی در این زمینه برای بررسی وضعیت توسعه انسانی زنان به کار گرفته می‌شود. در مقاله حاضر، ایران با این شاخص با کشورهای همسایه‌اش مقایسه می‌شود.

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

ارزیابی شاخص توسعه انسانی و مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی یکی از ابعاد بارز و برجسته‌ی بازنمایی موفقیت‌ها و اقدام‌های مرتبط کشورهاست. لزوم پرداختن به شاخص‌های توسعه انسانی در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. شاخص توسعه انسانی مردم و دولت‌های متبوع آن‌ها را قادر می‌سازد پیشرفت‌ها را در طول زمان ارزیابی و برای دخالت سیاسی اولویت تعیین کنند. هم‌چنین شاخص مذکور میان تجربه‌های به دست آمده در کشورهای گوناگون امکان مقایسه‌های آموزنده‌ای را فراهم می‌کند.

۲. مطالعه تطبیقی امکان اتخاذ رویکرد انتقادی و ارزش‌گذاری مثبت یا منفی در ارزیابی شاخص‌های توسعه را فراهم می‌کند.

۳. این امکان را فراهم می‌کند که الزامات و بایدهای مربوط به تدابیر علمی و دقیق مبتنی بر واقعیت‌های موجود را برای تحقق اهداف ایده‌آل بشناسیم و با برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه در راستای تحقق این اهداف گام برداریم.

در این مقاله تلاش شده است وضعیت ایران با نه کشور همسایه‌اش مقایسه شود. در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران با کشورهای همسایه و گروه دیگری از کشورها، که در مجموع ۲۶ کشور را شامل می‌شود، مقایسه شده است.

۳. روش پژوهش و گردآوری اطلاعات

روش استفاده شده در این پژوهش روش اسنادی - کتابخانه‌ای است. داده‌ها از گزارش توسعه سازمان ملل متحد (HDR) در سال ۲۰۱۳ به دست آمده است.

۴. پرسش‌های پژوهش

ایران به لحاظ توسعه‌یافتگی در حوزه زنان در میان همسایگانش (افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، عراق، کویت، پاکستان، عربستان، ترکیه، ترکمنستان) چه جایگاهی دارد؟

۵. محدودیت‌های تحقیق

توسعه فرایند تغییر از شرایط موجود به شرایط مطلوب است. در رویکرد توسعه انسانی، ایجاد شرایط لازم برای تحقق شخصیت انسانی بالقوه آحاد افراد جامعه توسعه نام دارد. با این تعریف، تفاوت میان شرایط مطلوب در فرهنگ‌های گوناگون به تفاوت در تعریف آن فرهنگ از شخصیت بالقوه انسانی بازمی‌گردد. از آنجا که ادبیات توسعه در کشورهای غربی شکل گرفته و رواج یافته است، شاخص‌های توسعه‌یافتگی و نوع نگاهشان به انسان نیز بر اساس اهداف نظام سرمایه‌داری ایجاد شده است. این نگاه به مسائل مربوط به زنان، جامعه‌ای را توسعه‌یافته می‌داند که در آن زنان با مردان در خارج از منزل، یعنی شرایط بازار کار و سیاست حضوری برابر داشته باشند.

این در حالی است که دیدگاه نظام اسلامی به انسان کامل به گونه‌ای دیگر است. اسلام در مسائل مربوط به جنسیت، عدالت میان زنان و مردان را هدف قرار داده است که لزوماً به معنای تساوی نیست. برای مثال گفتنی است در حوزه سیاست توجه به بهره‌وری هر یک از دو گروه، که از تفاوت در شخصیت و توانمندی‌های هر یک ناشی می‌شود، مد نظر اسلام است. از این منظر، کارایی زنان و مردان متفاوت است و قرار دادن هر یک از ایشان در غیر موضع خود، خلاف عدالت است.

اما این که اسلام چه شخصیتی از انسان را شخصیت کامل می‌داند و به‌ویژه درباره زن کامل چه نظری دارد مقوله‌ای است که بسیاری از محققان درباره آن تحقیق کرده‌اند. با این حال، از آنجا که این ویژگی‌ها مانند سایر ابعاد توسعه‌یافتگی کیفی است، لازم است در راستای اندازه‌گیری‌شان در سطح جامعه برایشان شاخص‌های کمی تعریف شود؛ شاخص‌هایی که متأسفانه پژوهش‌گران درباره آن غفلت کرده‌اند. بنابراین، این مقاله نیز مانند سایر

۵۰ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

مقاله‌های مشابه، از اطلاعات موجود در گزارش توسعه سازمان ملل استفاده کرده است؛ با این‌که لزوماً برخی از این شاخص‌ها را نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی زنان نمی‌داند. البته شاخص‌های ذکر شده از دید خود تعیین‌کنندگان نیز ضعف‌هایی دارد؛ برای مثال نماگرهایی مانند تعداد نمایندگان زن در پارلمان در سطح محلی منظور نمی‌شود یا درباره نرخ مشارکت در بازار کار، اطلاعاتی در خصوص درآمد یا میزان اشتغال زنان مد نظر قرار نمی‌گیرد. همچنین به محدودیت زمانی زنان با توجه به مسئولیتشان در امور خانه‌داری پرداخته نمی‌شود. طبعاً این امر اوقات فراغت زنان را کاهش و خستگی فیزیکی و استرسشان را افزایش می‌دهد (سایت سازمان ملل).

۶. تعریف مفاهیم

۱.۶ چستی توسعه

توسعه اقتصادی اصطلاحی است که از دهه ۱۹۴۰ در اقتصاد رواج یافته است و آن فرایند تغییر از وضع موجود به وضع مطلوب است. هیچ توافقی درباره این‌که شرایط مطلوب چیست وجود ندارد (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۱). با این همه، درباره برخی از معیارها توافق شده است. هم‌چنان‌که سیرز (۱۹۷۲) می‌گوید، ارزش‌های مورد نیاز با طرح این پرسش که شرایط لازم برای تحقق شخصیت بالقوه انسان‌ها چیست مشخص خواهد شد. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ توسعه با رشد اقتصادی مترادف بود، اما با گذشت زمان روشن شد که اقتصاد ممکن است رشد کند بدون آن‌که به دلیل فقر عمومی، بیکاری فراوان و نابرابری‌های اجتماعی توسعه یابد یا ممکن است با وجود فقدان تکنولوژی مدرن تولید و تغییرات زیربنایی و فقر کماکان روند صعودی را طی کند؛ در حالی که توسعه اقتصادی همیشه همراه با رشد اقتصادی است (قره‌باغیان، ۱۳۸۱: ۷-۸). بنابراین به تدریج ابعاد بیشتری به توسعه اقتصادی افزوده شد. تلقی جدید مفهوم توسعه فرایندی همه‌جانبه است که نه فقط عوامل اقتصادی، بلکه همه عوامل مؤثر در بهبود شرایط زیستی شامل عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دربر می‌گیرد.

۲.۶ اندازه‌گیری توسعه

سنجش سطوح نسبی توسعه کاری دشوار است. بسیاری از معیارها یا اهدافی که توسعه را

زهرا خیری دوست و بهاره نصیری ۵۱

ارزیابی یا در مورد آن قضاوت می‌کنند کیفی‌اند. این معیارها باید با استفاده از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری شوند.

طبیعی است که تحلیل‌گران خواستار به‌کارگیری شاخص توسعه واحد به جای مجموعه‌ای از شاخص‌های جداگانه‌اند، اما برای تحقق این امر مشکلاتی وجود دارد:

نخست این که هیچ شاخص کمی‌ای توان اندازه‌گیری دقیق معیارهای کیفی را ندارد؛ دوم این که هیچ‌یک از شاخص‌ها نمی‌توانند سطوح کیفی به دست آمده بر اساس همه ابعاد توسعه را به طور مطلوبی برآورد کنند؛ به‌ویژه اگر به خاطر آوریم که این ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است؛

سوم این که در اتخاذ روشی که به موجب آن بتوان شاخص‌های گوناگون را برای کیفیت‌های مختلف با یکدیگر جمع کرد و به شاخص واحدی برای سطح توسعه کشورها دست یافت مشکلات محسوسی وجود دارد (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۸).

۳.۶ شاخص توسعه انسانی

توجه به ابعاد انسانی توسعه باعث شده است که سازمان ملل شیوه جدیدی را برای اندازه‌گیری توسعه ارائه کند که شاخص توسعه انسانی نام گرفته است. شالوده اصلی این شاخص بر رویکرد قابلیت‌های پروفیسور آمارتیا سن، اقتصاددان هندی، استوار است. شاخص توسعه انسانی از ترکیب چهار شاخص امید به زندگی در هنگام تولد، درآمد سرانه کشور، میانگین تعداد سال‌های تحصیل کشور و امید به تعداد سال‌های تحصیل کشور تشکیل می‌شود که به ترتیب معیارهای سلامت، سطح زندگی و آموزش را تشکیل می‌دهند (سایت سازمان ملل).

۴.۶ برنامه توسعه سازمان ملل

برنامه توسعه سازمان ملل، که از سال ۱۹۶۶ کارش را آغاز کرد، شبکه‌ای است که با تلاش‌های ملی و جهانی می‌کوشد نوعی از پیشرفت را معرفی کند که کیفیت زندگی را برای همه افراد بهبود بخشد و جامعه را در راستای ایستادگی در برابر بحران‌ها یاری رساند. در این زمینه برنامه توسعه سازمان ملل در راستای حل چالش‌های زیر با کشورها مشارکت می‌کند:

۱. کاهش فقر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره؛

۵۲ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

۲. حکومت دموکراتیک؛

۳. پیش‌گیری از بحران و بازیابی؛

۴. محیط زیست و انرژی برای دستیابی به توسعه پایدار.

هم‌چنین در تمامی فعالیت‌هایش حفاظت از حقوق انسانی، توسعه ظرفیت‌ها و توان‌مندسازی زنان را تشویق می‌کند. برنامه توسعه سازمان ملل تساوی جنسیتی و توان‌مندسازی زنان را هم از جهت حقوق انسانی زنان و هم از جهت این‌که راهی برای رسیدن به اهداف توسعه هزاره و توسعه پایدار است دنبال می‌کند و در پی آن است که زنان در تمامی نهادهای دولتی و بخش خصوصی و جامعه مدنی بتوانند صدای واقعی داشته و بر تصمیم‌هایی که در آینده خانواده و کشورشان تعیین‌کننده است مؤثر باشند (همان).

۵.۶ گزارش توسعه انسانی

از سال ۱۹۹۰ برنامه توسعه سازمان ملل متحد هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی منتشر می‌کند و در آن، کشورها در زمینه‌های گوناگونی مانند شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و سیاسی بررسی می‌شوند. در گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس میزان شاخص توسعه انسانی به گروه‌های کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی پایین تقسیم می‌کنند. در این مقاله گروهی از شاخص‌های برنامه توسعه سازمان ملل در راستای ارزیابی موقعیت زنان در ایران و کشورهای همسایه آن بررسی شده است.

۷. گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ از ایران

با توجه به گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳، نرخ شاخص توسعه انسانی کنونی ایران ۰/۷۴۲ است که ایران را در زمره کشورهای با توسعه انسانی بالا طبقه‌بندی می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که در طول ۳۲ سال (سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۳) سیاست‌های ایران برای ارتقای توسعه انسانی هم مناسب و هم شایان توجه بوده است. این گزارش هم‌چنین نشان می‌دهد که ایران در کاهش کمبود شاخص توسعه انسانی در میان کشورهای در حال توسعه دومین مقام را دارد.

۸. مقایسه وضعیت توسعه‌یافتگی زنان در ایران و کشورهای همسایه

یکی از شاخص‌هایی که برنامه توسعه سازمان ملل متحد اندازه‌گیری می‌کند شاخص نابرابری جنسیتی است. این شاخص در ۲۰۱۰ شاخصی تجربی معرفی شد. این شاخص نابرابری جنسیتی را در سه بعد اندازه می‌گیرد؛ بهداشت که مبتنی بر نرخ مرگ و میر مادران و نرخ باروری زنان نوجوان است، توان‌مندسازی که شامل تعداد نمایندگان زن در پارلمان و تعداد نسبی زنان بالای ۲۵ سال است که دست‌کم مدرک تحصیلی راهنمایی دارند و بعد سوم که مربوط به بازار کار بوده و به واسطه نرخ مشارکت زنان در بازار کار تعیین می‌شود. مهم‌ترین مزیت این شاخص آن است که اجازه نمی‌دهد بهبود در یک بعد، کاهش چشم‌گیر در بعد دیگر را پوشش دهد. هدف از طراحی این شاخص این است که نشان دهد دستاوردهای ملی در بخش توسعه انسانی تا چه اندازه بر اساس نابرابری جنسیتی از بین رفته است (همان). میزان این شاخص بین صفر و یک است که صفر برابری کامل بین زنان و مردان را نشان می‌دهد.

در ادامه پس از مقایسه این شاخص در ایران و کشورهای همسایه آن، اجزای آن نیز در این کشورها مقایسه می‌شوند. گفتنی است که در این تحلیل نویسندگان کوشیده‌اند یک‌بار وضعیت کنونی کشورها را از نظر شاخص‌های بررسی شده تحلیل کنند و بار دیگر تغییراتی که طی سال‌ها در این کشورها به وقوع پیوسته است بررسی کنند.

شاخص نابرابری جنسیتی: (GII)

جدول ۱. شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

رتبه در سال ۲۰۱۱ در سطح دنیا	۲۰۱۱	۲۰۰۹	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۱۰۷	۰/۴۹۶	۰/۵۳	۰/۵۲۷	۰/۶۲۲	ایران
۱۴۷	۰/۷۱۲	۰/۷۲	۰/۷۴۶	...	افغانستان
۵۹	۰/۳۴	۰/۳۵۵	۰/۴	۰/۴۶۲	ارمنستان
۵۴	۰/۳۲۳	آذربایجان
۱۲۰	۰/۵۵۷	۰/۵۶۶	۰/۷۹۹	۰/۱۸۲	عراق
۴۷	۰/۲۷۴	۰/۲۵۶	۰/۳۶	۰/۵۸۱	کویت
۱۲۳	۰/۵۶۷	۰/۵۹۶	۰/۶۱۴	...	پاکستان
۱۴۵	۰/۶۸۲	۰/۶۵۶	۰/۶۸۵	...	عربستان
۶۸	۰/۳۶۶	۰/۴۱۹	۰/۵۱۵	...	ترکیه
...	ترکمنستان

منبع: گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۱۳

۵۴ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

داده‌های جدول ۱ گویای آن است که نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۱۱ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ در همه کشورهای روندی نزولی داشته، اما تغییرات آن کم‌تر از ۰/۱ واحد بوده؛ به نحوی که تقریباً ثابت بوده است. فقط در عراق ۰/۲۴ واحد کاهش و در ترکیه ۰/۱۵ واحد کاهش در میزان آن دیده می‌شود. ایران در سال ۲۰۱۱ در مقایسه با ۱۹۹۵، ۰/۱۳ واحد کاهش در میزان این شاخص را تجربه کرده است.

در سال ۲۰۱۱ ایران پس از کویت، آذربایجان، ارمنستان و ترکیه رتبه پنجم را داشت و میزان این شاخص در مورد ایران تقریباً ۰/۵ است. در مقایسه ایران با کشورهای در سطح توسعه انسانی بالا، ایران در انتهای جدول و قبل از پاناما و عربستان به چشم می‌خورد. در این جدول، یوگسلاوی با میزان ۰/۱۶۲ در شاخص gii در رأس دیده می‌شود و متوسط میزان این شاخص در این کشورها ۰/۳۸ و در کل جهان ۰/۴۶ است؛ بنابراین میزان نابرابری در ایران از متوسط جهانی نیز بیش‌تر است. کم‌ترین میزان این شاخص در هلند با میزانی نزدیک به صفر (۰/۰۴۵) دیده می‌شود.

۱۸ مقایسه شاخص نابرابری جنسیتی در ایران و کشورهای همسایه از نظر وضعیت بهداشت باروری زنان

سلامت، چه فردی و چه جمعی، بی‌تردید از مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی و شرطی ضروری برای ایفای نقش‌های اجتماعی است (Kolander, 1999: 2). در این زمینه توجه به وضعیت سلامت زنان اهمیت ویژه‌ای دارد. از طرفی به وضعیت سلامت زنان به منزله نیمی از جمعیت جامعه باید توجه شود. از طرف دیگر، نقش کلیدی زنان در تکامل خانواده و جامعه به تأثیرگذاری سلامت آنان بر نحوه فعالیت خانواده و فرزندان منجر شده است. برخورداری از زندگی طولانی توأم با سلامت به تعریف شاخص نرخ مرگ و میر مادران منجر شده است. شاخص دیگر، نرخ باروری زنان نوجوان است که آن نیز ارتقای سلامت مادران را در نظر دارد.

۱.۱.۸ شاخص نسبت مرگ و میر مادران (تعداد مرگ و میر زنان به ازای هر ۱۰۰ هزار تولد زنده)

جدول ۲. شاخص نسبت مرگ و میر مادران

۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۰	
۲۱	۳۰	۴۸	۱۲۰	ایران

زهرا خیری دوست و بهاره نصیری ۵۵

افغانستان	۱۳۰۰	۱۰۰۰	۷۱۰	۴۶۰
ارمنستان	۴۶	۳۸	۳۴	۳۰
آذربایجان	۵۶	۶۵	۵۲	۴۳
عراق	۸۹	۷۸	۷۴	۶۳
کویت	۱۱	۹	۸	۱۴
پاکستان	۴۹۰	۳۸۰	۳۱۰	۲۶۰
عربستان	۴۴	۲۷	۲۵	۲۴
ترکیه	۶۷	۳۹	۲۸	۲۰
ترکمنستان	۸۲	۹۱	۷۶	۶۷

منبع: گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۱۳

در جدول ۲ ملاحظه می‌شود که میزان این شاخص در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با ۱۹۹۵ در همه کشورهای بررسی شده جز آذربایجان و ارمنستان کاهش یافته است و در ۲۰۱۰ به نسبت سال ۲۰۰۰ در همه کشورها جز کویت با کاهش مواجه بوده است. با این حال، در سال ۲۰۱۰ کویت موفق‌تر از سایر کشورها عمل کرده است و فقط ۱۴ مورد مرگ مادر در میان هر ۱۰۰ هزار تولد زنده در این کشور مشاهده می‌شود. ایران با ۲۱ مرگ مادر در میان هر ۱۰۰ هزار تولد زنده پس از کویت و ترکیه قرار می‌گیرد. ایران توانسته است بیش‌ترین تغییر را در میان کشورهای بررسی شده داشته باشد؛ زیرا موفق شده است در طول بیست سال (۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰) میزان این شاخص را ۸۲ درصد کاهش دهد و به یک ششم میزان آن در سال ۱۹۹۰ برساند.

شایان ذکر است استونی با سه مرگ مادر در هر هزار تولد زنده، بالاترین رتبه را در میان کشورهای دنیا به خود اختصاص داده است. متوسط جهانی این شاخص در ۲۰۱۱، ۱۴۵ و متوسط آن در کشورهای با توسعه بالای نیروی انسانی ۴۷ است که در ایران به میزان درخور ملاحظه‌ای از آنها کم‌تر است. همچنین آمار گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ گویای آن است که ایران در زمینه کاهش این شاخص رتبه پنجم دنیا را پس از کشورهای استونی، بلاروس، مالدیوز و رومانی به خود اختصاص داده است (گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۱۳).

۵۶ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

۲.۱.۸ شاخص نرخ باروری زنان نوجوان (زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله)

جدول ۳. شاخص نرخ باروری زنان نوجوان (زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله)

۲۰۱۰	۲۰۰۸	۲۰۰۵	۲۰۰۰	
۲۹/۵	۱۸/۳	۳۳/۵	۴۸/۴	ایران
۱۱۸/۷	۱۲۱/۳	۱۶۱/۲	۲۱۲/۴	افغانستان
۳۵/۷	۳۵/۷	۳۷/۹	۵۳	ارمنستان
۳۳/۸	۳۳/۸	۳۳/۶	۴۱	آذربایجان
۹۸	۸۵/۵	۷۱/۲	۵۷/۱	عراق
۱۳/۸	۱۳/۲	۱۶/۱	۲۶/۹	کویت
۳۱/۶	۴۵/۷	۴۱/۳	۶۰	پاکستان
۱۱/۶	۲۶/۱	۲۰/۶	۳۷/۳	عربستان
۳۹/۲	۳۸/۸	۴۲/۸	۵۲	ترکیه
۱۹/۵	۱۹/۵	۲۳	۱۷/۸	ترکمنستان

منبع: گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۱۳

این آمار تعداد متولدان از مادران جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله در هر هزار نفر را نشان می‌دهد و گویای آن است که نرخ باروری زنان نوجوان در ۲۰۱۰ در مقایسه با ۲۰۰۰ در همه همسایگان ایران کاهش داشته و فقط در عراق و ترکمنستان افزایش داشته است.

آمار مربوط به نرخ باروری زنان نوجوان نشان می‌دهد که در میان کشورهای منطقه، عربستان توانسته است بیش‌ترین کاهش در میزان این شاخص را به خود اختصاص دهد. بدین ترتیب کم‌ترین میزان باروری زنان نوجوان، یعنی ۱۱/۶ درصد باروری در هر ۱۰۰۰ زن نوجوان در میان کشورهای منطقه در این کشور مشاهده می‌شود. بعد از عربستان، کویت قرار دارد که توانسته است میزان این شاخص را به نصف میزان آن در سال ۲۰۰۰ برساند. از نظر میزان مطلق این شاخص، ایران پس از عربستان، کویت و ترکمنستان با ۲۹/۵ درصد باروری در میان هزار زن نوجوان رتبه چهارم را در میان همسایگانش دارد. شایان ذکر است ایران موفق شده است این شاخص را در مقایسه با سال ۲۰۰۰ کاهش دهد.

کم‌ترین میزان این شاخص مربوط به سوئیس با ۳/۹ و ایتالیا با ۴ تولد در هر هزار زن ۱۵ تا ۱۹ سال است. در سال ۲۰۱۱ متوسط این شاخص در جهان ۵۱/۲ و در کشورهای توسعه‌یافته بالا ۴۵/۹ است که ایران به میزان درخور ملاحظه‌ای از آن‌ها کم‌تر است (همان).

۲۸ مقایسه وضعیت توسعه انسانی زنان در ایران و کشورهای همسایه از نظر شاخص توانمندسازی

مشارکت سیاسی یکی از حقوق انسانی افراد در جامعه است. مشارکت سیاسی در دو سطح طبقه‌بندی می‌شود؛ نخست مشارکت در سطح توده‌ها مانند مشارکت در انتخابات و استفاده از حق رأی، شرکت در گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی و شرکت در خدمات انسان‌دوستانه و جنبش‌های محیط زیستی و بهداشتی و دوم مشارکت در سطح نخبگان و برگزیدگان. این سطح از مشارکت سیاسی معمولاً در حیطه‌ی زنانی با تحصیلات عالی، آگاه، متخصص، با علاقه و تعهد اجتماعی است و حضور در عرصه‌هایی مانند نمایندگی در مجلس مقننه، شرکت در قوه مجریه، به‌ویژه در وزارتخانه‌هایی که رنگ و بوی سیاسی دارند و شرکت در خدمات بین‌المللی را شامل می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۴۰).

آموزش یکی از زمینه‌های زیربنایی تقویت آگاهی فرد است که افق‌های جدید و دامنه گسترده‌ای از فرصت‌ها و انتخاب و اختیار را فرارویش می‌گشاید. اهمیت آموزش برای زنان افزون بر ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مشارکت در اجتماع، اثرهای فراوانی بر افزایش میزان بازدهی خانواده دارد. سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش زنان و دختران یکی از مؤثرترین راه‌های کاهش فقر است. زنان تحصیل کرده اهمیت مراقبت‌های بهداشتی را تشخیص می‌دهند و از روش‌های رعایت بهداشت برای خود و خانواده‌شان آگاه‌اند.

۱.۲.۸ شاخص مشارکت در مجلس (نسبت زنان به مردان)

جدول ۴. شاخص مشارکت در مجلس (نسبت زنان به مردان)						
۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۰	
۰/۰۲۸	۰/۰۲۸	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۲۹	۰/۰۴۳	ایران
۰/۳۸۲	۰/۳۸۲	۰/۳۸۱	۰/۳۵	۰/۳۵	۰/۳۵	افغانستان
۰/۰۹۲	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۱۰۱	۰/۰۹۲	۰/۰۵۶	ارمنستان
۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۲۹	۰/۱۲۹	۰/۱۴۹	آذربایجان
۰/۳۳۷	۰/۳۳۷	۰/۳۳۷	۰/۳۴۲	۰/۳۴۲	۰/۰۰۱	عراق
۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	۰/۰۳۲	۰/۰۱۵	کویت
۰/۲۷	۰/۲۶۶	۰/۲۶۶	۰/۲۶۶	۰/۲۶۹	۰/۲۵۹	پاکستان
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	عربستان
۰/۱۶۵	۰/۱۶۵	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۴۶	ترکیه
۰/۲۰۲	۰/۲۰۲	۰/۲۰۲	۰/۲۰۲	۰/۰۰۱	۰/۱۹	ترکمنستان

منبع: گزارش توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۱۳

۵۸ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

شاخص مشارکت زنان به نسبت مردان در مجلس در سال ۲۰۱۱ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ در همه کشورهای همسایه ایران افزایش نشان می‌دهد جز در عربستان که ثابت مانده است و در ایران که با کاهش مواجه بوده است.

در سال ۲۰۱۱ به ترتیب افغانستان (۰/۳۳۷)، عراق (۰/۳۳۷) و پاکستان (۰/۲۷) بالاترین رتبه‌ها در زمینه مشارکت زنان در مقایسه با مردان در مجلس را به خود اختصاص داده‌اند و ایران در انتهای جدول قبل از عربستان (۰/۰۱) قرار دارد.

در هر حال، این شاخص نشان می‌دهد میزان مشارکت زنان در عرصه سیاسی چه در ایران و چه در کشورهای همسایه آن پایین است؛ به طوری که نسبت کل نمایندگان مجلس زن در ایران طی دوره‌های اول تا سوم فقط چهار زن بوده است که این تعداد در دوره چهارم به نه زن و در دوره پنجم به چهارده زن افزایش یافته است، اما دوباره مشاهده می‌شود که در دوره‌های بعدی، تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی با کاهش مواجه شده است؛ به طوری که در دوره ششم و هفتم سیزده زن، در دوره هشتم هشت زن و در مجلس نهم نه زن توانسته‌اند به قوه قانون‌گذاری راه یابند.

در دیدی کلی باید گفت که ایران در زمینه این شاخص به نسبت کشورهای دنیا، رتبه پایینی دارد و به همراه لبنان در زمره ده کشور آخر از جدول ۱۸۶ کشور دنیا قرار گرفته است. گفتنی است بیش‌ترین میزان مشارکت زنان در مجلس مربوط به رواندا (گروه کشورهای کم‌توسعه‌یافته) است که در آن ۵۱/۹ درصد کرسی‌های مجلس به زنان اختصاص دارد و پس از آن کشورهای آندورا (گروه کشورهای با توسعه‌یافتگی بسیار بالا) با ۵۰ درصد و کوبا (گروه کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا) با ۴۵/۲ درصد قرار دارند. به طور متوسط در سال ۲۰۱۱، ۲۰/۳ درصد از کرسی‌های مجلس در سطح دنیا و ۲۵ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورهای با توسعه‌یافتگی بسیار بالا، ۱۸/۵ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا و ۱۹/۲ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورهای کم‌توسعه‌یافته به زنان اختصاص یافته است (گزارش توسعه سازمان ملل در ۲۰۱۳).

بنابراین، مشاهده می‌شود که توزیع این شاخص در میان کشورها به سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها وابسته نیست؛ به نحوی که در هر چهار گروه کشوری دیده می‌شوند که در آن‌ها بیش از ۴۰ درصد یا کم‌تر از ۱۰ درصد از کرسی‌های مجلس به زنان اختصاص یافته است.

۲.۲.۸ شاخص جمعیت با حداقل تحصیلات راهنمایی (سهم زنان به مردان)

جدول ۵. شاخص جمعیت با حداقل تحصیلات راهنمایی (سهم زنان به مردان)

۲۰۰۹	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۸۵	۱۹۷۰	
۰/۶۶۴	۰/۵۹۶	۰/۵۳۵	۰/۴۵۱	۰/۳۹۱	ایران
۰/۱۷۱	۰/۲۷۵	۰/۲۵۳	۰/۱۵۱	۰/۱۲۷	افغانستان
۰/۹۹۳	۰/۹۸۳	۰/۹۷۳	۰/۹۶۱	۰/۹۳۶	ارمنستان
...	آذربایجان
۰/۵۱۵	۰/۵۰۲	۰/۴۷۷	۰/۳۹۹	۰/۳۳۲	عراق
۱/۱۸۹	۱/۱۴۷	۱/۰۰۳	۰/۹۸۳	۰/۸۴۳	کویت
۰/۵۰۲	۰/۴۴۸	۰/۳۸۱	۰/۲۷	۰/۰۸۶	پاکستان
۰/۸۶۸	۰/۸۰۷	۰/۶۷۹	۰/۵۱۲	۰/۲۹	عربستان
۰/۵۸	۰/۵۳۹	۰/۵۰۲	۰/۴۶۴	۰/۴۱۱	ترکیه
...	ترکمنستان

منبع: گزارش توسعه سازمان ملل در ۲۰۱۳

با توجه به جدول ۵، شاخص جمعیت با حداقل تحصیلات راهنمایی در همه کشورهای همسایه ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ روند افزایشی مداوم مشاهده می‌شود؛ به جز افغانستان که پس از سال ۲۰۰۰ روندی کاهشی را تجربه کرده است؛ البته آماری از ترکمنستان و آذربایجان موجود نیست. این آمار نشان می‌دهد که در ارمنستان (۰/۹۳) و کویت (۰/۸۴) از همان ۱۹۷۰ میزان شاخص بالاست؛ یعنی زنان و مردان تقریباً به یک میزان باسوادند، اما ملاحظه آمار در ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که در کویت تعداد زنان باسواد از مردان پیشی گرفته است (میزان شاخص ۱/۱۸۹) و در ارمنستان تعداد زنان و مردان باسواد به تساوی رسیده است (میزان شاخص ۰/۹۹۳).

این شاخص در ایران در ۱۹۷۰، ۰/۳۹۱ بوده که در ۲۰۰۹ به ۰/۶۶۴ رسیده است که پس از عربستان (۰/۸۶۸) رتبه چهارم منطقه را دارد. افغانستان با میزان ۰/۱۷۱ کمترین مقدار این شاخص را دارد، اما در سایر کشورها این شاخص بالای ۰/۵ است.

در ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ متوسط ۶۲/۱ زنان در مقایسه با مردان حداقل تحصیلات راهنمایی داشته‌اند؛ در حالی که این شاخص درباره مردان ۶۹/۱ درصد است. این در حالی است که در کشورهای فنلاند، استرالیا و کانادا ۱۰۰ درصد مردان و زنان در این دوره حداقل تحصیلات راهنمایی داشته‌اند و در کشورهای انگلستان، چک، قزاقستان، دانمارک و اسلواکی رقمی نزدیک به ۱۰۰ درصد به چشم می‌خورد و تفاوت چندانی میان مردان و زنان مشاهده

۶۰ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

نمی‌شود. به طور متوسط در سطح کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی انسانی بسیار بالا در طول سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، ۸۴/۷ درصد زنان و ۸۷/۱ درصد مردان دست کم تحصیلات راهنمایی داشته‌اند که این رقم درباره کشورهای با سطح توسعه‌یافتگی بالا شامل ایران به ۵۲/۳ و ۶۲/۹ درصد می‌رسد که ایران از این متوسط بالاتر است (همان).

۳۸ مقایسه وضعیت توسعه انسانی زنان در ایران و کشورهای همسایه از نظر حضور در بازار کار

اشتغال زنان موضوع چالش‌برانگیزی است و برخی آن را زمینه‌ساز رشد زنان در بسیاری مسائل می‌دانند؛ از جمله به لحاظ فردی، اجتماعی و خانوادگی با ایجاد روحیه اعتماد به نفس، رشد، استقلال فکری و روحی، ایجاد آگاهی و بینش اجتماعی، فهم و درک مسائل زنان و کمک به حل این مشکلات، استفاده بهینه آنان از اوقات فراغت و جلوگیری از بیهوده گذراندن وقت، جلوگیری از افسردگی ناشی از بیکاری و یک‌نواختی زندگی روزمره و احساس رضایت از مفید بودن، شادابی و سلامت روح، آشنایی با روش‌های افزایش بهره‌وری امکانات مادی و معنوی خانواده، کمک به رشد درآمد ملی و درآمد خانوار، جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی زنان بر اثر فقر و نیاز مالی، به‌ویژه در زنان مطلقه و بیوه. در حالی که برخی دیگر اشتغال زنان را مانعی در ایفای بهینه نقش‌های خانوادگی می‌دانند یا آن را سبب ایجاد مشکلاتی در اجتماع می‌پندارند. در هر حال، نرخ مشارکت نیروی کار به منزله یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی زنان در ادبیات بین‌المللی مطرح است.

شاخص نرخ مشارکت نیروی کار (نسبت سهم زنان به مردان):

جدول ۶. شاخص نرخ مشارکت نیروی کار (نسبت سهم زنان به مردان)

۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۸۵	ایران
۰/۲۲۶	۰/۲۲۴	۰/۲۲۱	۰/۲۱۹	۰/۲۴۴	۰/۲۵۳	۰/۲۶۲	۰/۱۹	۰/۱۲۱	
۰/۱۹۶	۰/۱۹۳	۰/۱۸۸	۰/۱۸۳	۰/۱۷۹	۰/۱۷۵	۰/۱۷۲	۰/۱۶۶	۰/۱۹	افغانستان
۰/۷۰۴	۰/۷۰۴	۰/۷۰۵	۰/۷۰۴	۰/۷۱۸	۰/۸۳۲	۰/۷۴۵	۰/۷۹۳	۰/۷۸۶	ارمنستان
۰/۸۹۹	۰/۹۰۱	۰/۹۰۵	۰/۹۰۷	۰/۸۹۳	۰/۸۸۱	۰/۸۶۷	۰/۸۰۴	۰/۷۶۵	آذربایجان
۰/۲۰۹	۰/۲۰۶	۰/۲۰۵	۰/۲۰۳	۰/۲	۰/۲	۰/۱۹۷	۰/۱۸۲	۰/۱۵۴	عراق
۰/۵۲۷	۰/۵۲۷	۰/۵۲۸	۰/۵۲۵	۰/۵۳۳	۰/۵۴۲	۰/۵۴۷	۰/۵۴۱	۰/۴۴۳	کویت
۰/۲۷۳	۰/۲۶۹	۰/۲۶۳	۰/۲۵۸	۰/۲۵۱	۰/۲۴۷	۰/۲۲۹	۰/۱۹۱	۰/۱۵۸	پاکستان
۰/۲۳۹	۰/۲۳۵	۰/۲۳۲	۰/۲۳۷	۰/۲۴۱	۰/۲۴۷	۰/۲۳۸	۰/۲۱۹	۰/۱۸	عربستان
۰/۳۹۴	۰/۳۹۴	۰/۳۷۲	۰/۳۵۲	۰/۳۴۲	۰/۳۴	۰/۳۳۴	۰/۳۶۲	۰/۴۲۳	ترکیه
۰/۶۱۱	۰/۶۱۸	۰/۶۱۵	۰/۶۱۸	۰/۶۲۱	۰/۶۲۵	۰/۶۲۸	۰/۶۴۶	۰/۶۲	ترکمنستان

منبع: گزارش توسعه سازمان ملل در ۲۰۱۳

زهرا خیری دوست و بهاره نصیری ۶۱

با توجه به جدول ۶ در سال ۱۹۹۵ در مقایسه با ۱۹۸۵ در همه کشورهای در روند شاخص سهم زنان به نسبت مردان در مشارکت نیروی کار افزایش مشاهده می‌شود؛ به جز دو کشور افغانستان (۰/۰۲۴) و ترکیه (۰/۰۶۱) که در آنها نسبت سهم زنان به مردان در بازار کار با کاهش مواجه بوده است. در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با ۱۹۹۵، دوباره ترکیه (۰/۰۲۶)، ارمنستان (۰/۰۴۸) و ترکمنستان (۰/۰۱۸) کاهش و باقی کشورهای افزایش در روند این شاخص را تجربه کرده‌اند.

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ در کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان و ترکیه افزایش مداومی در روند این شاخص مشاهده می‌شود؛ یعنی سهم زنان از مشارکت در بازار کار در این کشورها روند افزایشی مداومی را طی کرده است، اما کشورهای ارمنستان و ترکمنستان بر خلاف آنها روندی کاهشی را تجربه کرده‌اند. در آذربایجان بعد از ۲۰۰۷ روند کاهشی و در ایران بعد از ۲۰۰۶ روند کاهشی مداوم دیده می‌شود، اما به طور کلی در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با ۲۰۰۰ آذربایجان با افزایش و ایران با کاهش در میزان این شاخص مواجه بوده‌اند. در کویت و عربستان هم هر چند روند مشخصی دیده نمی‌شود، اما برآیند تغییرها در کویت کاهش و در عربستان افزایش بوده است. به طور کلی ترکیه با ۰/۰۶ واحد افزایش و ارمنستان با ۰/۰۴ واحد کاهش و پس از آن، ایران با ۰/۰۳۶ واحد کاهش بیش‌ترین تغییر در میزان این شاخص را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نشان داده‌اند. مقایسه این آمارها در سال ۲۰۱۰ گویای آن است که در همه این کشورها مشارکت مردان در بازار کار بیش از زنان است. با این حال، مشارکت زنان در کشورهای شوروی سابق، یعنی آذربایجان (۰/۸۹)، ارمنستان (۰/۷) و ترکمنستان (۰/۶۱) با سایر کشورها تفاوت معناداری دارد. ایران از نظر این شاخص رتبه هشتم را در میان این ده کشور دارد و پس از آن، کشورهای عراق و افغانستان قرار دارند.

اگر به این موضوع به شیوه‌ای دیگر، یعنی با مشاهده میزان مشارکت زنان و مردان در بازار کار پیش از محاسبه نسبت زنان به مردان توجه کنیم، درمی‌یابیم که بیش‌ترین نرخ مشارکت زنان در تانزانیا دیده می‌شود که در آن ۸۸ درصد زنان شاغل‌اند. ضمن آن‌که در همه کشورهای دنیا مردان بیش از زنان در بازار کار حضور دارند، به جز چهار کشور رواندا، موزامبیک، مالاوی و بروندي که در آنها زنان بیش‌تر از مردان در بازار اشتغال دارند. نکته شایان توجه آن است که میزان مشارکت زنان در بازار کار به سطح توسعه‌یافتگی کشورها بستگی ندارد؛ به نحوی که متوسط اشتغال زنان در کشورهای با توسعه انسانی بسیار بالا در تقسیم‌بندی شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۱، ۵۲/۷ در کشورهای با توسعه انسانی بالا ۴۶/۸، با توسعه انسانی متوسط ۵۰/۵ و در کشورهای با توسعه انسانی پایین ۵۶/۴ است.

۶۲ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

متوسط اشتغال زنان در کشورهای دنیا ۵۱/۳ است. در مقابل کم‌ترین میزان اشتغال زنان در کشورهای مسلمان دیده می‌شود؛ به نحوی که در انتهای جدول به ترتیب کشورهای سوریه، عراق، الجزایر، فلسطین اشغالی، اردن، افغانستان، ایران، عربستان سعودی، لبنان، پاکستان، مصر، یمن، تونس، مراکش، ترکیه، عمان، موریتانی، هند، لیبی و سودان قرار دارند که در آن‌ها ۳۰ درصد یا کم‌تر از زنان شاغل‌اند؛ بنابراین گفتنی است نقش عامل فرهنگی و اعتقادی در این زمینه بسیار پررنگ است.

همان‌طور که دیده می‌شود، در ۲۰۱۱ در ایران ۷۲/۵ درصد مردان و ۱۶/۴ درصد از زنان شاغل‌اند (همان).

۹. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

مقایسه وضعیت توسعه انسانی زنان در ایران و کشورهای همسایه آن با استفاده از آمار سازمان ملل گویای آن است که شاخص نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۱۱ در مقایسه با سال ۲۰۰۰ در همه کشورهای همسایه ایران بهبود یافته است، اما بررسی اجزای این شاخص گویای تغییرات و تفاوت‌هایی در کشورهای گوناگون است. برای نمونه در کشورهای شوروی سابق، یعنی ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان مشارکت زنان در بازار کار بسیار بالاست، اما در زمینه شاخص مشارکت در مجلس در سطح متوسط قرار دارند. ضمن آن‌که نرخ باروری زنان نوجوان در ترکمنستان بسیار پایین و شاخص جمعیت با حداقل تحصیلات راهنمایی در ارمنستان بسیار بالاست. افغانستان به لحاظ شاخص‌های سلامتی و مشارکت زنان در بازار کار بسیار ضعیف عمل کرده است؛ با وجود این، زنان این کشور بیش از سایر کشورهای منطقه در مجلس حضور دارند. کویت از نظر شاخص نرخ باروری زنان نوجوان و نرخ مرگ و میر در میان کشورهای بررسی‌شده بهترین وضعیت را دارد.

طبق گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳، سیاست‌های ایران برای ارتقای توسعه انسانی در طول ۳۲ سال مناسب و شایان توجه بوده است؛ به نحوی که ایران دومین مقام را در ارتقای شاخص توسعه انسانی در میان کشورهای در حال توسعه دارد. با این حال، در میان کشورهای منطقه هنوز کویت و عربستان با رتبه‌های ۵۴ و ۵۷ جایگاه بهتری را در مقایسه با ایران دارند.

به لحاظ توسعه انسانی زنان، ایران در میان ۱۸۶ کشور دنیا در رتبه ۱۰۷ قرار دارد که رتبه پایینی است، اما ملاحظه اجزای این شاخص گویای آن است که ایران در زمینه شاخص‌های حوزه سلامت، یعنی شاخص نرخ باروری زنان نوجوان (زنان ۱۵ تا ۱۹ سال)

و شاخص نرخ مرگ و میر مادران بسیار موفق عمل کرده است؛ به نحوی که میزان این شاخص‌ها در ایران از میزان متوسط آن در دنیا و در کشورهای با توسعه بالای نیروی انسانی بسیار کم‌تر است. ایران توانسته است در زمینه کاهش شاخص نرخ مرگ و میر مادران رتبه پنجم دنیا را به خود اختصاص دهد. در زمینه شاخص جمعیت با حداقل تحصیلات راهنمایی نیز همین روند به چشم می‌خورد، اما در مورد دو شاخص دیگر، یعنی مشارکت زنان در مجلس و مشارکت زنان در بازار کار نتوانسته است موفق عمل کند.

بررسی دقیق‌تر دو شاخص اخیر نشان می‌دهد که بر خلاف شاخص‌های قبلی، سطح توسعه‌یافتگی کشورها در تعیین این دو شاخص اهمیت ندارد؛ به‌ویژه در زمینه مشارکت زنان در بازار کار چهار رتبه بالاتر دنیا به کشورهایی با توسعه‌یافتگی پایین اختصاص دارد که در زمینه شاخص نابرابری جنسیتی نیز در رتبه‌های انتهایی جدول قرار دارند.

بنابراین، لزوماً ورود زنان به بازار کار یا عرصه سیاسی، مانند مشارکت در مجلس، به توسعه‌یافتگی زنان در کشورها منجر نخواهد شد و شاید بهتر باشد در این دو شاخص تجدید نظرهایی صورت گیرد. در این زمینه، نخست باید روشن شود که آیا مشارکت سیاسی یا اقتصادی زنان به خودی خود هدف مهمی است یا به علت نتایجش در بهبود سایر شرایط زندگی برای زنان یا کودکان حائز اهمیت است. در صورت دوم، فهم دقیق‌تر آمار نیاز به بررسی متغیرهای اجتماعی و سایر متغیرها در کشورهای ذکر شده دارد تا علت اصلی مقارن نبودن شاخص‌های توسعه‌یافتگی زنان با یک‌دیگر را نشان دهد. برای مثال باید بررسی شود چه عواملی باعث شده در کشورهایی مانند رواندا، موزامبیک، ملاوی و بروندي، به‌رغم مشارکت بالای سیاسی زنان و حضور پررنگشان در پارلمان، وضعیت بهداشتی یا آموزشی زنان ارتقا نیابد.

بنابراین شاخصی ترکیبی از این شاخص‌ها در کنار برخی شاخص‌های دیگر پیشنهاد می‌شود، از جمله میزان مشارکت زنان در انتخابات، میزان آگاهی‌های سیاسی زنان (برای مثال نسبت زنان فارغ‌التحصیل در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت و سایر رشته‌های مرتبط) یا میزان مالکیت دارایی‌های زنان.

در پایان با تأکید بر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، لازم است توسعه‌یافتگی در ایران با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی این کشور متناسب و بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی‌اش متکی باشد؛ بنابراین لازم است نخست اهداف توسعه‌ی انسانی در زمینه موقعیت زنان تعریف و شاخص‌های کمی برای سنجش آن فراهم شود و سپس سیاست‌های مناسب در راستای رسیدن به اهداف ارزیابی شود. برای مثال اگر اشتغال زنان

۶۴ مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن

در خارج از منزل جزو اهداف کشور ما به شمار نمی‌آید و برای زنان ارزش ندارد، همان‌گونه که داده‌های جهانی نیز گویای وجود کشورهای اسلامی در انتهای جدول است، بهتر است توسعه مشاغل خانگی یا صنایع کوچک خانوادگی با حضور محارم در سطوح گوناگون بررسی و هدایت شود.

از آن‌جا که گستره چنین تحقیقی در مقاله حاضر نمی‌گنجد، شایسته است در قالب تحقیقی مستقل و در ادامه تحقیق حاضر بررسی شود.

منابع

- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۱). *اقتصاد رشد و توسعه*، تهران: نشر نی.
- کارنی، کول (۱۳۷۷). «مفهوم توسعه اجتماعی»، ترجمه موسی عنبری، نشریه راه‌آورد، ش ۴، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کلمن، دیوید و فرد نیکسون (۱۳۷۸). *اقتصادشناسی توسعه نیافتگی*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی وثقی.
- ملکی، امیر (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵.
- سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد به آدرس: <http://hdr.undp.org/en/reports/>

Seers, Dudley (1972). "What are we trying to Measure?", *The Journal of Development Studies*, Vol. 8, No. 3.

منابع دیگر

- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۳). «اثرات اشتغال بر سلامت زنان»، *رفاه اجتماعی*، دوره سوم، ش ۱۲.
- آذربایجان، مسعود (۱۳۸۸). «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره دوازدهم، ش ۴۶.
- پیشگاهی فرد، زهرا و ام‌البنی پولاب (۱۳۸۷). «آینده پژوهی وضعیت آموزش عالی زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، *پژوهش زنان*، دوره ششم، ش ۳.
- شکوری، علی (۱۳۸۷). «سیاست‌های حمایتی و توان‌مندسازی زنان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، دوره ششم، ش ۶۱.
- علیزاده، مرجان (۱۳۸۹). «نقش اشتغال زنان در توسعه»، *زن و فرهنگ*، دوره دوم، ش ۵.
- کتابی، محمود، بهجت یزدخواستی و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸۲). «توان‌مندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره اول، ش ۷.

زهرا خیری دوست و بهاره نصیری ۶۵

کلدی، علیرضا و پروانه سلحشوری (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان»،
مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره چهارم، ش ۴.

- Aaronson, Daniel, Fabian Lange and Bhashkar Mazumder (2014). "Fertility Transitions along the Extensive and Intensive Margins", *American Economic Review*, Vol. 104, No.11.
- Bertrand, Marianne (2013). "Career, Family, and the Well-Being of College-Educated Women", *American Economic Review*, Vol. 103, No. 3.
- Bhalotra, Sonia and Irma Clots-Figueras (2014). "Health and the Political Agency of Women", *American Economic Journal: Economic Policy*, Vol. 6, No. 2.
- Blau, Francine D. and M. Kahn Lawrence (2013). "Female Labor Supply: Why Is the United States Falling Behind?", *American Economic Review*, Vol. 103, No. 3.
- Carranza, Eliana (2014). "Soil Endowments, Female Labor Force Participation, and the Demographic Deficit of Women in India", *American Economic Journal: Applied Economics*, Vol. 6, No. 4.
- Clots-Figueras, Irma (2012). "Are Female Leaders Good for Education? Evidence from India", *American Economic Journal: Applied Economics*, Vol. 4, No. 1.
- Duflo, Esther (2012). "Women Empowerment and Economic Development", *Journal of Economic Literature*, Vol. 50, No. 4.
- Fernández, Raquel (2013). "Cultural Change as Learning: The Evolution of Female Labor Force Participation over a Century", *American Economic Review*, Vol. 103, No. 1.
- Fraumeni, Barbara M. (2012). "Report of the Committee on the Status of Women in the Economics Profession 2011", *American Economic Review*, Vol. 102, No. 3.
- Kolander, C., D.J. Ballard and C. Chandler (2005). "Contemporary Women's Health: Issues for Today and the Future", 2 ed. - Instructor's Manual and Test Bank. Dubuque, IA: McGraw-Hill.